



ای مسجد! چگونه محراب خویش را از فواره فرق علی (علیه السلام) رنگین یافتی و از پایه فرو نریختی؟! مروت از کاسه های شیر باید آموخت که هنوز در برابر خانه خلیفه صف کشیده اند؛ اگر چه نیک می دانند که دیگر کار از کار گذشته است باید دانست که در این «در سجده مردن» چه رازی نهفته است و در این ایستاده زیستن! باید پی به این راز برد که چرا کعبه زادگاه کسی می شود و مسجد، شهادت گاهش؟ بی شک آن که نخستین نفس را در خانه خدا خویش فرو دارد، آخرین را نیز شایسته است در خانه خدا بازدم کند؛ که این عین، رستگاریست؛ پس حقیقت گفت که: «فُزْتُ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ» و او رستگار شد اما...  
بدا به حال قومی که بی علی (علیه السلام) شده اند...

وای بر قافله های بی قافله سالارا!  
عنان کاروان آیا زین پس به دست  
چه کسی خواهد افتاد؟! وای بر همه  
یتیمانی که جز علی، پدری  
نمی شناختند! زین پس آیا چه  
کسی نان و خرمایی بر ایشان  
خواهد آورد؟ وای بر همه چاه هایی  
که زین پس، غریب می شوند.  
خلیفه تنها و چاه های تنها، عمری  
باهم از تنهایی بیرون می آمدند.  
زین پس خلیفه نیست؛ پس چاه ها  
تنها مانده اند. آیا چه کسی عطش  
آب ها را آبی خواهد نشاند؟

